

جایگاه مبانی انسان شناسی در هویت معماری اسلامی

جواد پارسایی

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد

Ja.parsaee@gmail.com



خلاصه

معماری یکی از مظاهر مهم تمدنی است. با سیطره جهان بینی و فرهنگ مدرن بر جوامع بشری، معماری مدرن نیز در همه کشورها رواج پیدا کرد. معماری ای که برگرفته از تفکر و فرهنگی است که با شاخصه‌های اسلامی متناسب نیست. پس لازم است که بر اساس مبانی اعتقادی و فرهنگی اسلام، معماری ای تولید شود که در راه پیشبرد اهداف معنوی انسان قرار گیرد. مبانی انسان شناسی، جایگاهی اساسی در شکل گیری هویت معماری اسلامی دارد. پس از پرداختن به رابطه جهان بینی و معماری مشخص می‌شود که مؤلفه اساسی معماری اسلامی، اتصال شهودی روح انسان با عالم غیب و بازگردانی معانی غیبی به صورت های خیالی و حسی است. شناخت و مراتب انسان، اتحاد انسان با معلوماتش، قدرت تأثیر گذاری روح انسان و مظهر شدن او برای تجلی یافتن اسماء و صفات الهی از مبانی انسان شناسی است که هویت معماری اسلامی را تشکیل می دهد.

کلمات کلیدی: معماری اسلامی، عالم غیب، روح انسان، مبانی انسان شناسی، عالم مثال

۱. مقدمه

یکی از مهم ترین نیازهای طبیعی انسان‌ها، نیاز به مسکن و مکانی برای زندگی و فعالیت‌های روزمره اوست. هنگامی که ساختمان‌هایی که با معماری مختلف ساخته شده‌اند در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند در یک نگاه کلی معماری خاصی را در یک محیط روستایی یا شهری به وجود می‌آورند؛ بنابراین شکل و صورت معماری شهری، متشکل از معماری ساختمان‌ها و دیگر سازه‌های آن شهر است. معماری و شهر سازی در قدیم از زیر مجموعه‌های هنر به شمار می‌رفت، بنابراین معماران به‌عنوان هنرمندان شناخته می‌شدند. مهم ترین مشخصه هنر و معماری در نزد هنرمندان و معماران مسلمان جنبه‌های، اشرافی و معنوی هنر و معماری است، معماری در این نگاه بیش از آن که منبع درآمد و شغل باشد نوعی هنر، نیایش و ذکر بشمار می‌آید. هنرمند سنتی به اثر خود عشق می‌ورزد و پس از خلق اثرش، سرور و شادمانی روحی او بر خستگی بدنی‌اش غلبه می‌کند و دچار شور و شمع می‌شود؛ اما از دوران رنسانس به بعد هنر و معماری تحول اساسی پیدا می‌کنند. پیشرفت‌های تکنولوژیک در حیطه مصالح و ابزار، معماری را به کلی تغییر داد و با حاکم شدن